

# لمس کلام خدا

## بخش اول

مریم خدادادی

مسئول کارگروه دبستان مجتمع مدارس  
دانشجویی قرآن و عترت دانشگاه تهران

بنویسیم، حداقل انتظاری که از خواننده داریم چیست؟ به طور طبیعی انتظار داریم خواننده به آنچه در متن گفتیم توجه کند و منظور ما را بفهمد.

متن‌ها از واژه‌ها تشکیل شده‌اند. برای فهمیدن یک متن لازم است نخست، واژه‌ها را بفهمیم و درک کنیم. برای درک بهتر هر واژه، علاوه بر دانستن معنایش، لازم است آن واژه را ببینیم. یعنی تصویر واژه در ذهن

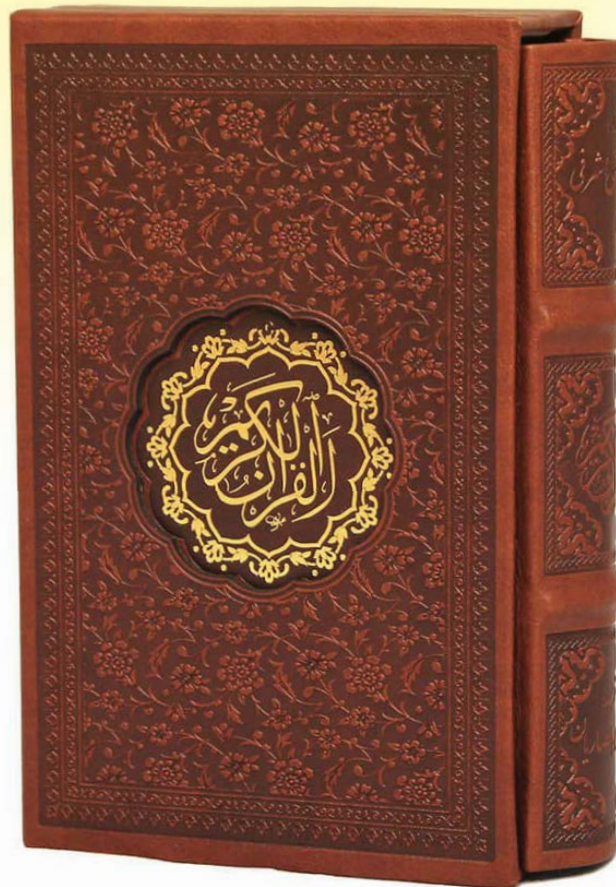
تاکنون برایتان پیش آمده است که متنی را بخوانید، اما چیزی از آن دریافت نکنید؟ اصلاً خواندن به چه معناست؟ وقتی متنی را می‌خوانیم، انتظار داریم چه اتفاقی در ما بیفتد؟ اگر ما نویسنده باشیم و متنی

ما دیده و حس شود. این جمله را بخوانید: «نم‌نم باران آمده و به خاک خورده است؛ بوی خاک می‌آید.» اکنون نم‌نم باران، خاک و بوی خاک باران‌خورده را در ذهن خود ببینید و بهتر تصور کنید.

با تصور کردن، حس کردن عبارات و قرار دادن خود در موقعیت کلام، معنی آن کلام بهتر درک می‌شود. معنای قرائت همین است. قرائت یک متن یعنی خواندن کلمات همراه با درک پیوسته‌ی معانی آن‌ها تا رسیدن به یک مفهوم کامل‌تر. نمی‌شود متنی را خواند و چیزی از آن درک نکرد؛ چراکه در این حالت عمل خواندن و قرائت صورت نگرفته و متنی خوانده نشده است.

اکنون با تصویری که از مفهوم قرائت در ذهنمان شکل گرفته است، سراغ قرآن کریم می‌رویم. این امر در هنگام قرائت قرآن نیز که کلام خداوند است باید رخ دهد. قرآن کتابی خواندنی است. باید آن را بخوانیم؛ اما اصل خواندن قرآن، خواندن همراه با دریافت است، نه فقط روخوانی بدون هیچ درکی از آیات. هرچه بیشتر خود را در موقعیت آیات و سوره‌ها قرار دهیم، دریافت بیشتری خواهیم داشت. آیات زیر را بخوانید و سعی کنید توصیفات آیه را در ذهن خود تجسم کنید:

«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (بقره/۱۶۴). (بی‌تردید در آفرینش آسمان‌ها و زمین و رفت‌وآمد شب و روز و کشتی‌هایی که در دریاها [با جابه‌جا کردن مسافر و کالا] به سود مردم روان‌اند و بارانی که خدا از آسمان نازل کرده و به وسیله‌ی آن، زمین را پس از مردگی‌اش زنده ساخته و در آن از هر نوع جنبنده‌ای پراکنده کرده است و گرداندن بادها و ابر مسخر میان آسمان و زمین، نشانه‌هایی است [از توحید، ربوبیت و قدرت خدا] برای گروهی که می‌اندیشند.) (ترجمه‌ی حسین انصاریان)



همچنین آیاتی را که در مورد زنبور عسل در سوره‌ی نحل آمده است بخوانید: «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ». (و پروردگارت به زنبور عسل الهام کرد که از کوه‌ها و درختان و آنچه [از داربست‌هایی] که [مردم] بر می‌افزاند، برای خود خانه‌هایی بگیرد). «ثُمَّ كَلِمَٰةٍ مِّنْ كُلِّ النَّمَلِ فَأَسْلَكَ سُبُلَ رَبِّكَ ذَلَّالًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل/ ۶۸ و ۶۹). (آن‌گاه از همه‌ی محصولات و میوه‌ها بخور، پس در راه‌های پروردگارت که برای تو هموار شده است [به سوی کندو] برو. از شکم آن‌ها [شهدی] نوشیدنی با رنگ‌های گوناگون بیرون می‌آید که در آن درمانی برای مردم است. قطعاً در این [حقیقت] نشانه‌ای است برای مردمی که می‌اندیشند). (ترجمه‌ی حسین انصاریان)

بین خواندن همراه با حس کردن و خواندن بدون حس کردن، تفاوت زیادی وجود دارد. هر چقدر خواندن و قرائت قرآن با فهمیدن همراه باشد، لذت‌بخش‌تر خواهد بود و کشش بیشتری به سمت آن حاصل خواهد شد. در غیر این صورت خواننده با متنی بی‌روح مواجه شده که نتوانسته است هیچ ارتباطی با آن برقرار کند.

با لحاظ کردن آنچه در مورد «خواندن و قرائت» گفتیم، این آیات را بخوانید: «أَفَمَن يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّن يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ» (ملک/ ۲۲). (آیا کسی که با صورت به زمین خورده است و در همان حال راه می‌رود، هدایت‌یافته‌تر است یا کسی که در حالت ایستاده، در مسیر درست راه می‌رود؟) با خواندن این آیه باید بتوانیم دو وضعیت را تصور کنیم. اول وضعیت شخصی که به جای ایستاده راه‌رفتن، روی زمین می‌خزد. دوم وضعیت کسی که استوار ایستاده و راه خود در مسیری درست پیش گرفته است و جلو می‌رود. در هر دو حالت، حرکت وجود دارد؛ اما نحوه‌ی به مقصد رسیدن، زمان به

مقصد رسیدن، سختی و راحتی حرکت کردن در مسیر، برای هر یک، فاصله‌ای از زمین تا آسمان دارد.

پس دانستیم قرائت و خواندن بدون دریافت، دستاورد ویژه‌ای ندارد و در این حالت در واقع عمل خواندن صورت نگرفته است؛ اما باید این نکته را هم در نظر داشته باشیم که قرائت قرآن سطوح‌های متعددی دارد؛ حتی روخوانی ابتدایی با توجه اما بدون فهم معنا نیز دریافتی به همراه خواهد داشت. یعنی سطحی از قرائت قرآن، فقط خواندن همراه با دریافت معنویت است. در بسیاری اوقات، ما قرآن می‌خوانیم، اما هیچ توجهی به معنای آیات نداریم. بدیهی است در این حالت به همه‌ی آنچه مقصود صاحب متن یعنی خداوند بوده است، دست نیافته‌ایم؛ اما به هر حال بهره‌ای حداقلی از آیات برده‌ایم. مانند اینکه نزدیک عالم برویم و فقط به تماشای او بنشینیم و رفتارهای او را مشاهده کنیم، بدون اینکه هیچ‌گونه سؤالی از او بپرسیم تا از علم او بهره‌مند شویم. البته که همین حد از ارتباط نیز سبب دریافت معنویت می‌شود؛ اما می‌توان از علم و دانش یک دانشمند بهره‌هایی به مراتب بیشتر برد و چنین فرصتی را غنیمت شمرد.

سطح بالاتری از قرائت قرآن، خواندن همراه با دریافت مفهومی کلی از آیات یک سوره است. مانند اینکه در یک صفحه‌ی قرآن، پیامی از یک آیه را درک کنیم یا سوره‌ای مانند سوره‌ی «ناس» را بخوانیم و به‌طور کلی بدانیم سوره چه مطلبی را منتقل می‌کند و چه پیامی دارد. در این حالت، هم از سوره معنویت کسب می‌کنیم و هم در برخی موقعیت‌های زندگی و روزمره‌ی خود می‌توانیم یاد پیام سوره یا آیه بیفتیم و از آن بهره ببریم. دریافت معنویت در این سطح و همه‌ی سطوح قرائت قرآن وجود دارد.

سطحی از قرائت، خواندن قرآن همراه با درک مفاهیم با جزئیات است. یعنی نه در حد یک پیام کلی، بلکه به‌طور جزئی‌تر بدانیم موضوعات مطرح‌شده در سوره‌ای مانند سوره‌ی ناس چیست و این سوره در مورد چه مسائلی سخن می‌گوید. البته در

این حالت، قبل از خواندن سوره، با مسئله‌ای مواجه شده‌ایم و می‌خواهیم جواب خود را از قرآن بگیریم. پس به قرآن رجوع می‌کنیم. در این مرحله به‌مرور میزان تسلط ما به سوره‌ها کمی بیشتر می‌شود. بنابراین وقتی در زندگی خود با مسئله‌ای مواجه شدیم، بهتر می‌توانیم به یکی از سوره‌های قرآن رجوع کنیم و متناسب با سطح دانشی که از آن سوره کسب کرده‌ایم، راه‌حلی بیابیم و پاسخ نیاز خود را بگیریم.

سطحی از قرائت، خواندن همراه با دریافت معنویت و دریافت قوانین است. در این سطح می‌توانیم برای زندگی فردی و اجتماعی از سوره‌ها معیار درآوریم؛ انواع معیارها و قوانینی که مسیر زندگی‌ها را تعیین می‌کند. یعنی قرآن می‌خوانیم برای اینکه به معیارهای الهی و وحیانی دست پیدا کنیم و زندگی خود را بر اساس حق تنظیم کنیم.

سطحی از قرائت، خواندن برای برنامه‌ریزی کردن است. این سطح که سطح بالایی از خواندن قرآن است، «تدبر» نام دارد که با هدف تنظیم برنامه‌های زندگی صورت می‌گیرد و آرام‌آرام همه‌ی برنامه‌های فرد را منطبق با قرآن می‌کند.

به خود برگردیم. ما در کدام سطح با قرآن مواجه می‌شویم و چقدر از آن استفاده می‌کنیم؟ مهم نیست که اکنون در کدام سطح قرار داریم. مهم این است که بدانیم قرآن خواندن ما، امکان ارتقا دارد و ما در هر سطحی که باشیم می‌توانیم بهتر، عمیق‌تر و کاربردی‌تر قرآن را بخوانیم و خود را محدود به روخوانی نکنیم. با این هدف که روزی همه‌ی برنامه‌های زندگی خود را با قرآن هماهنگ کنیم. مانند کسی که همواره ملازم یک عالم است، به امید اینکه هر روز بیش‌از‌پیش از علم او بهره‌برد و به او نزدیک‌تر شود.

پی‌نوشت

۱. برگرفته از کتاب فهم قرآن در دبستان و دبیرستان.

منبع:

اخوت، محمدرضا، (۱۳۹۹)، فهم قرآن در دبستان و دبیرستان، چاپ دوم، نشر قرآن و اهل بیت نبوت (ع)